

مقاله

موسیقی یک لفظ یونانی است و در زبان عربی به آن «موسیقی» می‌گویند؛ موسیقی فن ترکیب اصوات است به نحوی که به گوش خوشایند باشد. طبق نظریه بعضی از واژه‌شناسان، موسیقی مفهومی مرادف با مفهوم غنا (صوتی که با ترجیع و کیفیت خاصی ادا شود که طرب‌انگیز باشد) دارد، ولی بنا به گفته اکثر آنان، مفهوم این دو کلمه، متفاوت است. پس موسیقی، هر صدایی است که از نواختن آلات و ابزارها ایجاد شود و هر صدایی که از حنجره انسان درآید، مشتمل بر ترجیع بوده و صلاحیت طرب‌انگیزی داشته باشد غنا نامیده می‌شود. موسیقی در تمام زوایای زندگی در هر برنامه، فرصت و فراغت، به شکلی حضور دارد. اما با وجود استفاده‌های فراوان و رواج زیاد، عموم از واقعیت آن اطلاعات کافی ندارند و کمتر از آن چه مصرف می‌کنند، از ضرورت و کیفیت آن می‌پرسند. از مسائل مورد ابتلای مردم به‌ویژه نسل جوان، مسئله غنا و موسیقی از دیدگاه اسلام است که به مسئله‌ای عام‌البلوی در جامعه تبدیل شده است. پس لازم است به این مسئله بیشتر اهمیت داده شود تا دیدگاه صحیحی در این زمینه در سطح جامعه ایجاد گردد. موسیقی و غنا به وسیله شیطان ملعون اختراع شد و در طول تاریخ به وسیله افراد غیرمتعهد و بی‌مبالات به دین، مانند سلاطین جور و مأموران فاسق آنان رواج یافته است.

موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام (محمد اسماعیل نوری)، بررسی فقهی پدیده غنا (شیخ عبدالهادی فضل‌ی و محمد هادی معرفت)، و موسیقی و غنا در آینه فقه (محمد رضا جباران) از جمله کتب نگاشته شده پیرامون این موضوعند.

روش تحقیق در این نوشتار بر اساس نگرش‌ها، هم‌بنیادی است و هم‌کابردی و بر اساس راهبردها، تحقیقی توصیفی و بر اساس راهکارها، از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی در این تحقیق عبارت است از: «موسیقی، غنا، طرب، لهو، مطرب، ترجیع».

در این تحقیق سعی شده است به سؤالاتی همچون: مفهوم موسیقی و غنا چیست؟ دیدگاه قرآن و روایات درباره موسیقی و غنا چگونه است؟ نگاه علما و فقها به موسیقی و غنا چیست؟ آیا علم پزشکی و روان‌شناسی پرداختن به موسیقی را تأیید می‌کند؟ پرداخته شود.

مفهوم‌شناسی موسیقی و غنا

موسیقی عبارت است از: آهنگ‌هایی که از آلات موسیقی خارج شود و متناسب با قواعد موسیقی که در اصطلاح اهل موسیقی «نوت» گویند، باشد.^۱

نوای موسیقی از احساسات و انفعالات درونی انسان ناشی می‌شود و معرف غم و شادی، هیجان و آرامش روحی انسان است و ما چون نمی‌دانیم که پدیده موسیقی در سطوح خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه چه اثری ایجاد می‌کند، لذا نمی‌توانیم یک تعریف روشنی مانند تعریف یک نمود فیزیکی در پدیده موسیقی داشته باشیم.

موسیقی به دو دسته موسیقی طبیعی و موسیقی غیرطبیعی تقسیم می‌شود.

موسیقی طبیعی عبارت است از: صدای دلتواز ریزش آبشارها و نوای پرندگان ... که نه تنها شنیدن آن دور از صدمه و آسیب و زیان است بلکه نیروی تفکر و تعقل را زیاد کرده و انسان را بانشاط می‌کند.

موسیقی غیرطبیعی: همان اصواتی است که دست بشر آن را به وجود آورده است و چون دارای زیر و بم و ارتعاشات و تحرکات گوناگونی است، باعث می‌شود نیروی تفکر و تعقل نیست و نابود شود و اندیشه‌های منطقی را به خیالات و پندارها تبدیل کند.

واژه‌شناسان، برای کلمه غنا عبارت‌های مختلفی را بیان کرده‌اند؛ از جمله در فرهنگ عمید و فرهنگ امید آمده است: «غنا (به کسر غین) آواز خوش، سرود، آواز طرب‌انگیز».

ابن اثیر در نه‌ایه نوشته: هر کس صدای خود را بلند کند و آن را کش دهد، صدای او در نزد عرب‌ها غناء نامیده می‌شود.

در کتاب المعجم الوسیط چنین آمده است: غنا عبارت است از نغمه‌پردازی و زمزمه کردن با کلام موزون و یا غیرموزون اعم از اینکه همراه با موسیقی و نوازندگی باشد و یا بدون آن.

از مجموع کلمات واژه‌شناسان در بیان مفهوم غنا می‌توان گفت: «غنا عبارت است از صوتی که با ترجیع و کیفیت خاصی ادا شود که طرب‌انگیز باشد». از آن جا که در اکثر عبارات مفهوم غنا از زبان واژه‌شناسان لفظ «ترجیع» و «طرب» آمده لازم است مفهوم این دو کلمه نیز روشن شود؛ «ترجیع عبارت است از آوا، آهنگ دادن به صدا، زیر و بم و چهچهه صدا و طرب عبارت است از حالتی که در اثر غم یا شادی به انسان دست می‌دهد، به گونه‌ای که در اثر آن، حرکات سبک و خلاف شأن، وقار و متانت از او صادر گردد.»

موسیقی محتوایش عینی نیست، زیرا اگر خود موسیقی محتوایی داشت بایست که برای همه جهان یک جور باشد. گل سرخ، همه جا گل سرخ است، پس گل سرخ محتوای عینی دارد و لیکن موسیقی چنین نیست. موسیقی از واقعیات درون ذات و بیرون ذات کاریکاتور خوشایند می‌سازد، موسیقی تحریک مثبت و تشجیعی را در شنونده خود به وجود می‌آورد و او را از موجودیت حقیقی خود با یک گروه نوسانات بالاتر می‌برد، ولی هنگامی که موسیقی تمام می‌شود یک سرازیری حقیقی در خود احساس می‌کنیم و می‌بینیم که شیخ مصنوعی از بین رفته، واقعیات با همان خشونت برای ما نمودار می‌شود، به همین جهت بوده که در جنگ‌های صدر اسلام، نمی‌بینیم که مسلمین برای تهییج سربازان خود به موسیقی متوسل شوند، بلکه شعارهای واقعی را به طور دسته‌جمعی گفته، تحریک می‌گشتند، در صورتی که کفار به هر گونه وسائل موسیقی آن زمان برای تحریک سربازان خود متوسل می‌گشتند.

و خلاصه بایستی گفت: بشر از نظر کمبودی که در معرفت توانایی مراجعه با واقعیت دارد موسیقی را برای تسلی قوه تأیید می‌کند. پس نام آن را ضرورت می‌گذارد و به همین جهت است که اسلام به موسیقی روی خوش نشان نمی‌دهد و می‌خواهد انسان‌ها در زندگانی روحی و طبیعی، با خود واقعیات روبرو گردند.

موسیقی از دیدگاه آیات

در قرآن مجید، آخرین کتاب آسمانی و محکم‌ترین سند مذهبی ما مسلمانان، آیاتی است که طبق نظر مفسران و روایات رسیده از پیشوایان معصوم بر غنا و موسیقی تطبیق گردیده و یا از مصادیق آن‌ها شمرده شده است. از جمله:

۱. سورة لقمان، آیه ۶ که می‌فرماید:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ»

بعضی از مردم سخنان باطل و بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند و آیات الهی را به استهزاء گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده است.

علما و مفسران قرآن - اعم از شیعه و سنی - «لهو الحدیث» را به غنا و موسیقی و چیزهای باطل، لغو و بیهوده تفسیر نموده‌اند. از جمله علامه طباطبایی می‌فرماید: کلمه «لهو» به معنای چیزی است که انسان را از هدف مهم باز دارد و «لهو الحدیث» به سخن بیهوده‌ای گویند که انسان را به خود مشغول ساخته و از حق باز دارد، نظیر حکایات خرافی و داستان‌هایی که انسان را به فساد و گناه می‌کشاند. این انحراف گاهی به خاطر محتوای سخن است و گاه به خاطر اسباب و ملازمات آن، از قبیل آهنگ یا امور همراه آن، مثل آلات موسیقی و امثال این‌ها و

«لهو الحديث» شامل همه این موارد می شود.^۱

در روایتی «عبد الاعلی» می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ ...» سؤال کردم، فرمود: غنا و آوازخوانی از مصادیق آن است.^۲

۲. سوره حج، آیه ۳۰:

«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛ از بت های پلید اجتناب کنید و از سخن باطل بپرهیزید». تفسیر نمونه در توضیح مفهوم «قول زور» می گوید: در بعضی از روایات «اوثان» تفسیر به «شطرنج» (نوعی از قمار) و «قول زور» تفسیر به خوانندگی حرام (غنا) و شهادت به باطل شده است.^۳

در حدیث «صحیح» هشام از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه (فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ) روایت کرده است که فرمود: مراد از رجز اوثان، شطرنج و قول زور، غنا و آوازخوانی است.^۴

۳. سوره فرقان آیه ۷۲:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا؛ و کسانی که شهادت به باطل نمی دهند و (در مجالس باطل شرکت نمی کنند) و هنگامی که با لغو و بیهودگی برخورد کنند، بزرگوارانه از آن می گذرند». شریف لاهیجی می نویسد: احادیث اهل بیت علیهم السلام: متکثر الورد است که مراد از «زور» غناست، لیکن علی بن ابراهیم روایت کرده که مراد از «زور» غنا و مجالست اهل لهو است؛ اعم از آنکه غنا باشد یا غیر آن.^۵

در حدیث «صحیح» ابراهیم بن نعیم ابوصباح کنانی روایت کرده است: امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «زور» در این آیه «غنا» و «آوازخوانی» است.^۶

۴. سوره مؤمنون، آیه ۳:

«وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ و آن ها که از لغو و بیهودگی روی گردانند». در تفسیر شریف لاهیجی می نویسد: در ارشاد مفید از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که مراد از «لغو» غنا و ملاهی است.^۷

۱. محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۲۰۹.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۵، باب ۹۹، حدیث ۲۰.

۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۹۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۳۱۰، حدیث ۲۶.

۵. تفسیر شریف لاهیجی، ج ۳، ص ۳۵۳.

۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۹۹، حدیث ۳، ص ۳۰۴.

۷. همان، ج ۳، ص ۲۱۸.

۵. سوره اسراء، آیه ۶۴:

« وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ... ؛ هر کدام از آن ها را می توانی، با صدایت تحریک کن.»

در تفسیر نمونه آمده است: جمله (وَاسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ) که بعضی از مفسران آن را تنها به معنای نغمه های هوس انگیز موسیقی و خوانندگی تفسیر کرده اند، معنای وسیعی دارد که هر گونه تبلیغات گمراه کننده را که در آن از وسائل صوتی و سمعی استفاده می شود شامل می گردد.^۱

از مجموع آیاتی که نقل شد، به دست می آید: در قرآن کریم آیاتی است که طبق تفسیر مفسران قرآن و روایات منقول از پیشوایان معصوم علیهم السلام: بر زشتی و حرمت «غناء» و «موسیقی» دلالت می کند و از ابتدای نزول تا آخر، با این عمل زشت و گناه خطرناک مبارزه کرده و آن را عمل منفور و مطرود اعلام کرده است.

روایات درباره غنا و موسیقی

احادیث بسیاری در کتاب های شیعه و سنی از پیشوایان معصوم: درباره غنا (خوانندگی) و موسیقی (نوازندگی) نقل شده است که تعداد روایات از کثرت به حدّ تواتر رسیده است. مجموع روایات درباره غنا و موسیقی به پنج دسته تقسیم می شود که از هر دسته، چند روایت به عنوان نمونه آورده می شود.

دسته اول: روایات در ممنوعیت غنا و آوازخوانی

در روایات اسلامی، درباره غنا و خانه ای که در آن، غنا و آوازخوانی صورت گیرد، تعبیرهای تندی از قبیل: بدترین صدا، خبیث ترین موجودات، عامل نفاق و فقر، مقدمه بلاهای خطرناک، مقدمه زنا و ... دیده می شود. به عنوان نمونه:

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: « شَرُّ الْأَصْوَاتِ الْغِنَاءُ؛ غناء بدترین صداهاست. »^۲

در حدیث «صحیح» زید بن یونس شحام از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: خانه ای که محل غناء و آوازخوانی باشد از بلاهای خطرناک ایمن نمی باشد، در آن جا دعا مستجاب نمی شود و فرشتگان رحمت به آن خانه وارد نمی شوند.^۳

از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و اله روایت شده که فرمود: « الْغِنَاءُ رُقِيَّةُ الزُّنَى؛ غناء افسون و مقدمه زناست. »^۴

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۱۸۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۰۹، باب ۹۹، حدیث ۲۲.

۳. همان، حدیث ۱.

۴. جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۲۳۴، باب ۱۹، حدیث ۲۶.

دسته دوم: روایات در مذموم بودن موسیقی و ممنوعیت آلات آن

درباره ممنوعیت و مذموم بودن موسیقی و آلات آن تعبیری از جمله: بدی کمک به اهل موسیقی، زوال غیرت اهل موسیقی، بدبختی جامعه، مانع ورود ملائکه، نگهداری آلات موسیقی و غضب خدا، در روایات دیده می شود.

از امام سجاده علیه السلام روایت شده است: پاک و سعادت مند نمی شود ملتی که در میان آن ها «بربط» به صدا درآید

در روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می خوانیم: در خانه ای که شراب یا دف یا طنبور و یا نرد باشد، فرشتگان رحمت به آن وارد نمی شوند، دعای ساکنان آن مستجاب نمی شود و برکت از آنان برداشته خواهد شد.

دسته سوم: روایات در نکوهش شخص خواننده و نوازنده

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و اله می خوانیم: خداوند در قیامت به پنج طایفه نظر نمی کند و یکی از آنان مغنی (آوازخوان) است.^۱

در روایتی از امام صادق علیه السلام سؤال شد: پست ترین فرد کیست؟ فرمود: مَنْ يَشْرَبُ الْخَمْرَ وَيَضْرِبُ بِالطَّنْبُورِ؛ پست ترین فرد کسی است که شراب بخورد و ساز بزند.^۲

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است: چرا بعضی از شما شرم نمی کند! و روی مرکبی که سوار شده آوازخوانی می کند، در حالی که آن حیوان تسبیح خدا می گوید.^۳

دسته چهارم: روایات در ممنوعیت گوش دادن به غنا و موسیقی

در روایاتی که ائمه: در ممنوعیت گوش دادن به غنا و موسیقی است عناوینی همچون: حرمت نشستن در مجلس غنا، عامل نفاق، عبادت شیطان، مقدمه قساوت قلب، مایه غضب الهی، به چشم می خورد.

شنونده (در ثواب و گناه) شریک گوینده است.^۴

در روایتی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ضمن وصیت خود به علی علیه السلام فرمود: یا علی! سه چیز است که موجب قساوت قلب می شود: گوش دادن به لهو، دنبال شکار رفتن و رفت و آمد به دربار سلطان جائز.^۵

۱. معزی ملایری، جامع احادیث، ج ۲۲، باب ۱۹، حدیث ۱۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴، باب ۱۰۰، حدیث ۱۱.

۳ همان، ج ۱۱، ص ۴۱۹، باب ۳۷، حدیث ۲.

۴ میزان الحکمه، ج ۴، حدیث ۸۹۰۳، ص ۵۵۳.

۵ وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۳۱۴، باب ۱۰۰، حدیث ۸.

دسته پنجم: روایات در پرهیز از غنا و موسیقی و پاداش اخروی آن

همان‌طور که در روایات دیده شد کسی که اهل موسیقی است هم در این دنیا و هم در آخرت خسران دیده است. در مقابل کسی که خود را اسیر لهو و لعب نکند، در آخرت خداوند پاداش‌هایی از جمله: شنیدن صدای درخت خوش صدا در بهشت و شنیدن حمد و ثنای الهی در بهشت را به او عطا می‌کند.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می‌خوانیم: کسی که در دنیا گوش خود را از موسیقی پر کند، حق ندارد صدای روحانیون را بشنود. عرض شد: یا رسول الله! روحانیون چه کسانی هستند؟ فرمود: قاریان اهل بهشت هستند.

از مجموع احادیثی که به حد تواتر رسیده است، استفاده می‌شود: غنا و موسیقی، هم برای خواننده و نوازنده و هم برای شنونده آن حرام است؛ مالی که خواننده یا نوازنده از این راه به دست آورد حرام و دهنده آن مال نیز مرتکب گناه زشتی شده است و کسی که از این گناهان پرهیز کند، در آخرت به نعمت‌های بهتری می‌رسد.

اقوال علمای شیعه در حرمت غنا و موسیقی

همه علمای و فقهای شیعه - رضوان الله علیهم - معتقدند غنا و آوازخوانی اگرچه همراه با آلات موسیقی و یا حرام دیگری نباشد، همچنین گوش دادن به آن‌ها، از گناهان کبیره است و مرتکب آن اگرچه اصرار نورزد فاسق شده و از عدالت بیرون می‌رود و حق انجام دادن کارهای مشروط به عدالت را ندارد، مگر این که از عمل زشت خود پشیمان گشته و توبه حقیقی نماید.

همچنین گفته‌اند: غنا نیز همانند شراب و امثال آن ذاتاً و به تنهایی حرام است اگرچه هیچ عمل حرامی به آن ضمیمه نشود. و در صورت ضمیمه شدن حرام یا حرام‌های دیگر، گناه و عقابش افزایش یافته و هر کدام از آن اعمال حرام، عقاب مخصوص خود را خواهد داشت.

شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ.ق) در کتاب مقنع، در باب حدود می‌نویسد: «پدرم - رحمت خدا بر او باد - در وصیت خود به من فرمود: ... از غنا دوری کن، که خدای تعالی در مورد آن وعده آتش داده است.»^۱

علامه حلی (متوفای ۷۲۶ هـ.ق) در قواعد الاحکام، در بیان کسب‌های حرام می‌نویسد: «نوع چهارم از محرمات چیزهایی است که شارع مقدس، عین آن‌ها را حرام فرموده است مانند: ساختن مجسمه، غنا و آوازخوانی، همچنین آموختن و گوش دادن آن و مزد آوازخوان نیز حرام است.»^۲

۱. مقنع، ص ۴۵۵.

۲. قواعد الاحکام، ج ۲، ص ۸.

ابن عبدالعظیم (متوفای ۱۳۱۵ هـ.ق) در رساله فی الغناء در مقام بیان حکم غناء می نویسد: «در حرمت غناء فی الجملة اختلافی نیست، شاید حرمت فی الجملة آن از واضحات شریعت اسلام باشد به گونه ای که علاوه بر علمای اعلام، مردم عوام نیز حرام بودن آن را می دانند و روایات صحیح درباره آن به حد استفاضه رسیده است و اثبات حرمت فی الجملة آن نیاز به تحمل رنج استدلال ندارد.»^۱

امام خمینی (ره) (متوفای ۱۴۰۹ هـ.ق) درباره غناء می فرماید: «آوازخوانی و گوش دادن به آن و کسب مال با آن حرام است و فرقی ندارد که در کلام حق از قبیل قرائت قرآن، دعا و مرثیه باشد، یا در کلام غیر حق از شعر و نثر؛ بلکه اگر کسی کلامی را که با آن به خدای تعالی عبادت می شود به صورت غناء ادا کند، عذابش بیشتر می گردد.»^۲

مستثنیات

آیا موردی هست که از مصادیق موسیقی یا غناء به شمار آید و در عین حال از حکم حرمت استثنا شده باشد؟

یکی از مواردی که بعضی ها به احتمال مستثنا بودن آن ها، خواسته اند غناء یا موسیقی را در آن جایز بدانند، قرائت قرآن و دعا است. قرائت قرآن با صدای خوش، اگرچه از نظر اسلام مطلوب است، ولی این مطلوبیت، مقید به این است که به حد غناء نرسد، اگر به حد غناء برسد حرام خواهد بود؛ زیرا روایات دال بر مطلوبیت قرائت قرآن با صدای خوب، دلالت بر جواز غناء در قرائت قرآن ندارد، پس قرائت قرآن نیز در تحت حکم کلی حرکت غناء که با دلایل متقن ثابت شده است باقی می ماند. چرا که دلیلی بر استثنای آن نداریم. مورد دیگر که برخی گمان کرده اند از حرمت غناء استثنا شده، مرثیه در عزاداری بر سید مظلومان حضرت اباعبدالله الحسین است.

سید محمود بن عبدالعظیم (متوفای ۱۳۱۵ هـ.ق) در رساله فی الغناء می نویسد: «خلاصه، کسی ذهنش با شبهات آلوده نشده باشد، تردیدی در این نمی کند که، عذاب ارتکاب محرمات به بهانه تحصیل ثواب مستحبات، شدیدتر از مواردی است که چنین بهانه ای در میان نباشد. پس نمی توان به جواز ارتکاب این نوع لهویاتی که نمونه اش در بعضی از شهرها مشاهده می شود و موجب فسق مردم، فتنه و فساد می گردد، حکم کرد.»^۳

۱. میراث فقهی ۱، ج ۲، ص ۸۴۳.

۲. روح الله خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۴۹۷.

۳. میراث فقهی ۱، ج ۲، ص ۸۵۱؛ رساله فی الغناء، ص ۱۵ به نقل از همان، ص ۲۵۰.

«حُداء» بر وزن «دُعَاء» سرودی است که شتریان‌ها می‌خوانند تا شترها تندتر بروند. در فقه اختلاف است که آیا حداء قسمی از غنا است یا قسمی از آن نیست، بلکه خود ماده مستقلی است.

روایت صدوق در الفقیه به اسنادش از سکونی، از جعفر بن محمد، از پدرانش که گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: توشه مسافر حداء و شعر است، البته به نوعی که در آن ناسزا نباشد.

که روایت معتبری است و همچنین می‌توان به سیره مسلمانان استدلال کرد، یعنی رواج حداء نزد عرب در دوران رسالت و سپس در دوره‌های امامان و صحابه، که کسی این کار را رد نکرده است.

از مواردی که به عنوان استثنا مطرح شده، غنای زن در زفاف است. این مسئله از قدیم در میان فقه‌های شیعه مورد اختلاف بوده و هست. مدرک فقهایی که غنای زن را در مجلس زفاف جایز دانسته‌اند، روایتی از امام صادق علیه السلام است که از ظاهر آن جواز غنای زن در مجلس عروسی زنانه استفاده می‌شود.

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: مزد زن خواننده‌ای که مراسم زفاف عروسی را اجرا می‌کند اشکال ندارد، ولی نه آن زنی که مردها به مجلس او وارد می‌شوند.^۱

در هر صورت، بعید نیست که خوانندگی زن برای زن‌ها در زفاف، با شرایطی از جمله «عروسی شرعی باشد، غناکننده زن باشد، تکلم به باطل ننماید، مرد داخل بر ایشان نشود، اجنبی صوت زن را نشوند، در حال زفاف باشد، استعمال آلات لهو ننماید، در نکاح دائم باشد» جایز باشد، ولی احتیاط اقتضا می‌کند که به طور کلی ترک شود. در مقابل فقه‌های قائل به جواز، عده‌ای از فقه‌های شیعه، استثنای زفاف را نپذیرفته و به حرمت همه اقسام آن بدون استثنا فتوا داده‌اند.

از جمله مواردی که احتمال استثنای آن را از حکم کلی حرمت غنا داده‌اند، غنا و آوازخوانی در ایام عید، جشن و سرور و شادی است. بنا بر نظر فقها، غنا در ایام عید استثنا نشده است و ایام عید نیز مثل روزهای دیگر است که اگر شعر یا مطلب دیگری را با صدای خوب بخوانند به گونه‌ای که غنا نباشد اشکال ندارد و اگر غنا باشد حرام است، خواه مطلب حق باشد یا باطل و همراه با نوازندگی باشد یا بدون آن. روز عید هم نباید آوازخوانی کرد یا به آن گوش داد، زیرا روز عید و شب آن زمانی مناسب برای عبادت و دعا می‌باشد.

موسیقی در علم پزشکی و روان‌شناسی

در جهان دیروز و امروز بلکه فردا، هیچ بشری را که دارای عقل سالم باشد نمی‌توان پیدا کرد که بهبود و آسایش زندگی خویش را در آرامش فکری خود نداند. نخستین شرط آرامش و آسایش زندگی، حفظ سلامت

۱. میراث فقهی ۱، ج ۲، حدیث ۳ (۲۲۱۴۶)، ص ۸۵۱.

و صحت و تعادل روان و اعصاب است. اهمیت اعصاب در سلامت بدن و حفظ بهداشت، به اندازه‌ای زیاد و قابل توجه است که حتی می‌توان گفت بر قلب نیز سایه برتری گسترده، زیرا قلب از یک سو نیز دارای اعصابی است که حرکات و نظم و صحت قلب، بستگی تامی به صحت و درستکاری اعصاب آن دارد، اگر اعصاب تعادل خود را از دست بدهد، عوارضی را برای افراد به وجود می‌آورد که یک دوره عمر، آسایش انسان را در تهدید و مخاطره و شکنجه قرار خواهد داد. دستگاه عصبی انسان به دو دسته سلسله اعصاب ارتباطی و سلسله اعصاب نباتی تقسیم شده است که اعصاب نباتی شامل سیستم سمپاتیک و پاراسمپاتیک می‌باشد.

اعمال دستگاه سمپاتیک عبارت است از تنگ کردن رگ‌ها، انقباض عضلات صاف، بالا بردن فشارخون؛ و کار پاراسمپاتیک گشاد کردن رگ‌ها، انقباض عضلات صاف و تقلیل فشارخون و غیره می‌باشد. اعصاب سمپاتیک یا پاراسمپاتیک به میزان تحریکات خارجی تعادل خود را از دست داده و بدیهی است به هر اندازه که اختلال بین این دو سیستم عصبی ایجاد گردد به همان اندازه اغتشاشات فکری و خلاصه عدم تعادل روحی آغاز می‌شود و چون موسیقی دارای ارتعاشات بی‌شمار و زیر و بم‌ها و آهنگ‌ها و نواهای گوناگون است، از این رو یک محرک خارجی به‌شمار می‌رود که چون روی سلسله اعصاب اثر مستقیم دارد و همین اعصاب نباتی هستند که بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، لذا با دریافت هرچه بیشتر این تحریکات، تعادل خود را از دست داده و در نتیجه اختلال در اعمال جسم و روح نمایان می‌گردد.

از جمله مهم‌ترین آثار خطرناک موسیقی: جلب توجه غیرطبیعی، ضعف اعصاب، عامل ضربان و سکت قلبی، عامل فشارخون، افسردگی و خمودگی، تضعیف نیروی قضاوت، تضعیف نیروی باصره، عامل فساد و تباهی اخلاق می‌باشد.

موسیقی یکی از عوامل بسیار حساس و مؤثری در ایجاد ضعف اعصاب و اختلالات عصبی است و به علل تحریکات خارجی که ارتعاشات موسیقی روی سلسله اعصاب دارد، تعادل بین دو سیستم اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک را برهم زده و چون این دو دسته اعصاب در تمام اعضاء بدن از جمله چشم، گوش، قلب، اعصاب محرکه عروق، معده، کبد، روده، کلیه، مثانه و غیره، به موازات یکدیگر هر یک مشغول انجام وظیفه هستند که چون اعمال آن‌ها مخالف و متضاد یکدیگر است، هرگاه تعادل بین آن‌ها حفظ شود این تعادل در حفظ و سلامت آن عضو یا تمام اعضاء بدن مؤثر است. موسیقی وقتی که با تحریکات خارجی خود تعادل آن‌ها را برهم زد در حقیقت تعادل بین این دو سیستم اعصاب است که بیماری ضعف اعصاب، سکت قلبی، فشارخون، افسردگی، تضعیف نیروی قضاوت و حس باصره را به ارمغان می‌آورد. فردی که موظف است در راه خدمت به جامعه و درک حقایق زندگی همه روزه کوشا باشد تا به مرحله تکامل انسانیت رسد، کدام فرهنگ و قاموس، تفسیر و معنی کرده است که باید ساعات گرانبهای زندگی را تحت عنوان «بردگی در برابر لذت» صرف استماع

زیر و بم موسیقی و شنیدن یا خواندن اشعار عاشقانه و تصنیف‌های مسخره‌زنان ناتوان جهان نماید. بیگانگان و استعمارطلبان که در مقام بهره‌برداری از منابع طبیعی و ربودن گنج‌های ثروت دولت‌های کوچک هستند، به مدد موسیقی بردگی جدیدی به وجود آورده و عده بسیاری از بشرها را در اثر ابتلائات روحی تسلیم استعمار نموده است.

آری، امروز به نام آزادی و تمدن جدید و طرق ماهرانه تبلیغاتی، بشر را طوری از شاهراه صحیح زندگی منحرف کرده‌اند، که اگر وضع فعلی روی همین میزان پیش رود، بشر در اثر دور افتادن از حقایق زندگی و فاصله گرفتن با امور معنوی و اخلاقی، روز تاریک‌تری را در پیش خواهد داشت که با ناکامی‌ها و خودکشی‌ها و بیماری‌های روانی و سرگشتگی‌های بیشتری روبه‌رو خواهد بود.